



## اثر بخشی مشاوره گروهی در کاهش روابط متعارض بین برادران و خواهران

به این سیستم، صرفاً از طریق تولد، یا ازدواج صورت می‌گیرد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۲).

هر انسانی در طول زندگی خود تجربه گذران عمرش را در محیطی به نام خانواده همواره به یاد دارد. اتفاقات و جریاناتی که روند طبیعی رشد یک خانواده است، فرزندان یک خانواده را هم درگیر خود کرده، این وقایع جزء خاطرات خوشایند یا ناخوشایند اکثر افراد تا مدت‌ها باقی می‌ماند. این خاطرات کوتاه مدت و بلند مدت در محیط‌هایی چون خانه، مدرسه و اجتماع هم در فرد به همان رفتارهایی منجر می‌شود که او دربرخورد و تعامل با دیگران اتخاذ کرده است. به طور طبیعی، اکثر فرزندان (خواهران و برادران) در یک خانواده مسائلی چون رقابت بر سر قدرت و کسب محبت، تثبیت جایگاه فرزندی خود و برخورداری از امتیازات بیش‌تر در خانواده و... را تجربه می‌کنند.

خواهر و برادر، غالباً اولین همبازیان هم‌اند و این تعامل، در قالب بازی کودکانه، وسیله‌ای است که آن‌ها بر هم تأثیر می‌گذارند.

خانواده، چیزی بیش‌تر از مجموعه افرادی است که در یک فضای فیزیکی و روان‌شناختی با هم مشارکت دارند. خانواده را در اشکال گوناگون می‌توان دید که از ویژگی‌های یک سیستم اجتماعی - فرهنگی تعبیر می‌کند. در داخل چنین سیستمی افراد به وسیله حلقه‌های عاطفی قدرتمند، با دوام و متقابل به یکدیگر گره خورده‌اند. خانواده، یک نظام اجتماعی و طبیعی است که دارای شرایط و مشخصات خاص خود است. قواعد و اصولی که در خانواده از وسط نهادن این ابداع می‌شود، نقش‌های اعضای آن را به طور متبوع تعیین می‌کند.

در هر خانواده‌ای و در نقش‌های ایجاد شده در آن یک ساخت قدرتمند هم وجود دارد. اعضای یک خانواده توسط علایق، دل‌بستگی‌های عاطفی قوی، طولانی مدت و متقابل به یکدیگر متصل شده‌اند. گاه ممکن است که از میزان شدت یا نوع این علایق در طول زمان کاسته شود. اما اعضای خانواده در سراسر زندگی خود نیز به نای زندگی خانواده اهمیت می‌دهند. ورود

خواهران و برادران از هم تقلید می‌کنند و اغلب فرزندان کوچک‌تر از هم‌والد بزرگ‌تر خود تقلید می‌کنند. از آن جا که برادرها و خواهرها اوقات بسیار زیادی از وقتشان را با هم و در کنار هم سپری می‌کنند، می‌توان نتیجه گرفت که رفتار یک خواهر یا برادر بزرگ‌تر بر کسب رفتارهای خاص مانند: همکاری، مشارکت، یا رفتارهای متضاد مانند پرخاشگری، داد و بیداد و آسیب رساندن به دیگران تأثیر خواهد داشت. روابط متقابل بین هم‌والدها و نیز ورود والدین به این چرخه، در طرفداری یا دخالت‌های سوگیرانه، می‌تواند زمینه‌های ایجاد روابط و رفتارهای متعادل یا نامتعادل اجتماعی را در فرزندان تقریباً همسن و سال پیش‌بینی کند (دان و مان، ۱۹۸۶). خواهران و برادرها، اولین هم‌تای هم‌دیگر در خانواده به شمار می‌آیند. آن‌ها از الگوهای مرادده‌ای خاص خود برای مذاکره و مشاجره، همکاری و رقابت استفاده می‌کنند (مینوچین، ۱۳۸۱).

جایگاه فرزندان در خانواده و ترتیب تولد، بر سبک زندگی آن‌ها تأثیری مهم دارد. برای مثال، فرزند دوم یا میانی به احتمال زیاد سبک زندگی جاه‌طلبانه‌ای اختیار می‌کند و می‌کوشد از برادر و خواهر بزرگ‌ترش جلو بیفتد. از دست دادن توجه و محبت تقسیم نشده توسط والدین، در فرزندان بزرگ‌تر خانواده احساس رنجش و نفرتی ایجاد می‌کند که بخشی از هم‌چشمی هم‌والدهاست (پروچاسکا، ۱۳۸۱). اکثر ناسازگاری‌های بین هم‌والدهای دارای اختلاف سنی کم در زمانی اتفاق افتاده است که یکی از فرزندان از سوی والدین دچار احساس طردشدگی شده است (دان و مان، ۱۹۸۶). بیش‌تر تعارضات بین خواهران و برادران ناشی از ائتلاف‌های والدین با هم یا با دخالت فرزندان است. بیش‌ترین تعارضات موجود در میان فرزندان، ناشی از عدم درک متقابل، جبهه‌گیری و اعمال خشونت نسبت به هم می‌باشند (دوشن، ۲۰۰۴).

پژوهشی با استفاده از یک جلسه مشاوره گروهی به آموزش سه عنوان از متغیرهایی که به کاهش تعارضات و رقابت‌های ناسالم و خطرناک منجر می‌شود پرداخته و نتایج قابل قبولی گزارش کرده است. در این تحقیق، پژوهشگر در جلسات درمانی خود سه مؤلفه زیر را آموزش داده است:

- ۱- ارزشمندی انسان و احترام به دیدگاه‌های سایر انسان‌ها.
  - ۲- شیوه‌های سازش و گفت‌وگو به صورت درک متقابل.
  - ۳- شیوه کنترل تکانه‌های پرخاشگری (دوشن، ۲۰۰۴).
- موری (۲۰۰۲) نیز در کارگروهی با هم‌والدهایی که اختلاف سنی آن‌ها پنج سال بوده و با هم رقابت‌های شدید و خشونت

باری داشته‌اند، به آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی پرداخته و گزارش کرده است که کاربرد این مهارت‌ها موجب کاهش معناداری در تعارضات هم‌والدها گردیده است.

اهداف پژوهشی که توسط آقای محمود شهیدی (کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه خاتم)، خانم دکتر سیمین حسینیان (عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء سلام الله علیها)، آقای دکتر باقر نئانی ذاکر (عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم) و خانم ثریا اعتمادی (کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه الزهراء)، تحت عنوان «اثر بخشی مشاوره گروهی در کاهش روابط متعارض بین خواهران و برادران» انجام پذیرفته، تعیین میزان تأثیر مشاوره گروهی در روابط نامطلوب (رقابت) و متعارض بین خواهران و برادران در خانواده و تعیین تاکتیک‌های رفع تعارض بین خواهران و برادران و استفاده از تاکتیک‌های غیرخشونت‌آمیز و صدمه‌رسان به جای تاکتیک‌های آسیب‌رسان پس از مشاوره گروهی بوده است.

در بررسی مبانی نظری و پیشینه این تحقیق چنین آمده است: احساس بزرگی و جانشینی برای والد بودن در فرزندان بزرگ‌تر و نیز توجه خاص والدین به آن‌ها باعث می‌شود که با تولد فرزند دوم (چه دختر، چه پسر) رقابت برای به دست آوردن جایگاه قدرت در بین آن‌ها شدت پیدا کند. کسب محبت بیش‌تر والدین و جلب توجه آنان به سوی خود، از انگیزه‌های اصلی فرزندان برای رقابت با همسپ‌رهای خود است. در این میان طرد هر کدام از فرزندان توسط والدین می‌تواند شدت و کیفیت رفتارهای متعارض را در فرزندان تعیین کند. اکثر والدین، خواسته یا ناخواسته، از فرزندان خود طرفداری می‌کنند و این طرفداری از یک فرزند، به صورت رفتارهای کلامی و غیر کلامی، باعث ایجاد احساس طردشدگی توسط فرزندان کوچک‌تر یا بزرگ‌تر می‌گردد.

این پژوهش سعی داشته تا با بررسی این جریان در میان فرزندان و خانواده‌ها نشان دهد که از طریق اجرای یک برنامه مدون مشاوره گروهی، با تأکید بر موضوعات خاص، می‌تواند احساسات و رفتارهای متعارض بین هم‌والدها را تحت تأثیر قرار داده، آن‌ها را متعادل کند.

نتایج این پژوهش نشان داد که مشاوره گروهی توانسته است در مورد گروه شرکت کننده در مشاوره گروهی (آزمایش) در مقایسه با گروه‌های شرکت نکرده (کنترل) تفاوت معنادار ایجاد کند. به عبارت دیگر، افزایش اطلاعات و آموزش اعضای خانواده، به خصوص هم‌والدهایی که با هم دچار تعارض‌اند، در زمینه مهارت‌های ارتباطی مؤثر، می‌تواند رقابت بین آن‌ها را کاهش دهد، الگوهای ارتباطی خانواده را بهبود ببخشد و از میزان تنش‌ها

و تعارضات بکاهد. همچنین، جلسات مشاوره گروهی در افزایش استفاده از استدلال کلامی مؤثر بوده و تفاوت معناداری ایجاد کرده است. هر چه میزان استفاده از استدلال‌های کلامی در رفع تعارضات میان خواهران و برادران بیش‌تر باشد، طبیعتاً استفاده از روش‌های دیگر رفع تعارض، که گونه‌ای از پرخاشگری هم در آن دخالت دارد، کاسته می‌شود. به عبارت دیگر، استفاده از تکنیک استدلال کلامی در تعارضات میان هم‌والدها، ضمن آرام کردن محیط خانواده، محبت، همبستگی و پیوستگی میان خواهران و برادران با هم و با سایر اعضای خانواده را هم گسترش می‌دهد. برقراری روابط سالم و بدون سوگیری میان خواهران و برادران و استفاده از تبادلات کلامی و رفع مشکلات از طریق گفت‌وگوی دو طرفه در این بررسی مورد تأکید است، زیرا محیط خانواده و روابط را سالم‌تر کرده، در نتیجه سطح بهداشت روانی خانواده را ارتقا می‌بخشد.

این پژوهش، پیش‌نهادهای کاربردی زیر را به منظور استفاده خوانندگان و دست‌اندرکاران امور ارائه کرده است:

۱- از جلسات مشاوره گروهی با این موضوع می‌توان در مراکز و کلینیک‌های مشاوره و دوره‌های درمانی خانواده‌ها بهره گرفت.

خانواده‌های دارای فرزندان با اختلاف سنی تا ۴ سال، معمولاً دچار این پدیده در بین فرزندان با هم یا با والدین خودند. ارجاع فرزندان این خانواده‌ها به جلسات مشاوره گروهی در روند درمان خانواده‌ها نقشی مؤثر دارد.

۲- از نتایج این پژوهش می‌توان برای تعیین سرفصل‌ها و موضوعات کلاس‌های آموزش خانواده ویژه والدین که در مراکز فرهنگی و مشاوره‌ای و نیز آموزشگاه‌های دوره راهنمایی تحصیلی و متوسطه برگزار می‌شود، استفاده کرد.

۳- نتایج آماری و تجربی در این پژوهش نشان می‌دهد که تعارض بین هم‌والدها، به عنوان یک پدیده قابل رؤیت و مؤثر در مسائل بین والدین و سایر اعضای خانواده محسوب می‌شود که ممکن است تا بزرگسالی هم ادامه پیدا کند. از این رو توصیه می‌شود این شیوه در همه مؤسسات فرهنگی، مدارس و مراکز مشاوره مدنظر باشد.

منبع:

فصل نامه علمی پژوهشی انجمن مشاوره ایران، بهار ۱۳۸۶

